

امکان سنجی عدالت و برابری به عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظریات شورای نگهبان

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

محمد رضا شریفانی،^۱ علی اکبر گرجی ازندریانی،^۲ فتح‌اله رحیمی^۳

چکیده

هدف: هدف این پژوهش بررسی جایگاه و نقش اصل برابری و عدالت به عنوان ارکان بنیادین حقوق اساسی و مردم‌سالاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بود. همچنین، تحلیل تأثیر مبانی اسلامی و تفسیرهای شورای نگهبان در تحقق این اصول و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان مد نظر قرار گرفت. **روش:** روش تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعه اسناد حقوقی، آرای شورای نگهبان، قوانین اساسی و منابع علمی معتبر داخلی و بین‌المللی انجام شد. داده‌ها از طریق مرور متون حقوقی، تحلیل نظریات فقهی و بررسی رویه‌های قضایی و نظارتی گردآوری و تحلیل شد. **یافته‌ها:** بررسی‌ها نشان داد اصل برابری در نظام حقوقی ایران، متأثر از جهان‌بینی اسلامی و در قالب نظریه عدالت، تفسیر و به رسمیت شناخته شده است. عدالت در این نظام نه تنها به معنای تبعیت همگان از قانون، بلکه شرط لازم و کافی برای تحقق حاکمیت قانون و تضمین برابری حقوقی افراد تلقی شده است. تساوی افراد در برابر قانون و دادگاه، به عنوان اصل مسلم حقوقی و شرعی پذیرفته شده، اما تساوی حقوقی مطلق نیست و منوط به شرایط مساوی افراد است. شورای نگهبان در آرای خود با استناد به منابع شرعی و قانونی، معیارهایی برای ارزیابی برابری حقوق و تکالیف گروه‌ها و افراد ارائه کرده و نقش مؤثری در مقابله با تبعیض و تضمین عدالت حقوقی ایفا کرده است. همچنین، در نظام اداری و برخی قوانین، مواردی از تبعیض مثبت و استثنائاتی وجود دارد که با اصول کلی برابری و عدالت سازگار دانسته شده‌اند. **نتیجه‌گیری:** نتیجه‌گیری پژوهش حاکی از آن بود که اصل برابری و عدالت، به عنوان مبانی اساسی نظام حقوقی و مردم‌سالاری در ایران، در پرتو مبانی اسلامی و تفسیرهای شورای نگهبان، به صورت منطقی و عادلانه تبیین و اجرا شده است. هرچند چالش‌هایی در زمینه تعارض قوانین و تبعیض‌های اداری وجود دارد، اما رویکرد عدالت‌محور و تأکید بر شرایط مساوی، زمینه‌ساز حکمرانی مطلوب و صیانت از کرامت انسانی بوده است. این اصول، تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان و پایه‌گذار نظامی عادلانه و قانونمند در جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: شورای نگهبان، قانون اساسی، عدالت، برابری، حکمرانی مطلوب.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

۱. گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mr.sharifani@yahoo.com

۲. گروه حقوق عمومی؛ دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). gorji110@yahoo.com

۳. گروه حقوق بین الملل، واحد تهران شمال؛ دانشگاه آزاد اسلامی؛ تهران؛ ایران. Rahimif_law@yahoo.com

الف) مقدمه

عدالت همواره به عنوان یکی از بنیادین‌ترین اصول حقوق اساسی و رکن اصلی تحقق حاکمیت قانون در نظامهای حقوقی پیشرو، از جمله جمهوری اسلامی ایران، مطرح بوده است (السنان، ۱۳۸۵؛ قلی‌پور، ۱۳۸۳). تحقق عدالت صرفاً به معنای رفتار یکسان مردم و حاکمان در برابر قانون نیست، بلکه مستلزم آن است که محتوای قوانین نیز از معیارهای عادلانه برخوردار باشد تا زمینه تحقق حکمرانی مطلوب فراهم شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۵؛ نبویان، ۱۳۸۶). در واقع؛ عادلانه بودن قوانین و اجرای بی‌طرفانه آنها، دو وجه مکمل برای تضمین عدالت در جامعه به شمار می‌روند (حق‌پناه و ابوذری، ۱۳۹۱). با توجه به اهمیت عدالت و برابری در ساختار حقوقی ایران، شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر بر انطباق مصوبات با شرع و قانون اساسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تفسیر و تضمین این اصول ایفا می‌کند (آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، ۱۳۷۹؛ قانون اساسی، اصل ۹۴). با وجود تصریح قانون اساسی بر اصل برابری و حمایت یکسان قانون از همه شهروندان (قانون اساسی، اصول ۱۹، ۲۰ و ۲۱)، در عمل، برداشتها و تفسیرهای مختلفی از این اصول در فرایند قانونگذاری و نظارت شورای نگهبان مشاهده می‌شود (مرتضویان فارسانی، ۱۴۰۰؛ پروین، ۱۳۹۲). این تنوع تفسیری، گاه زمینه‌ساز بروز چالشهایی در تحقق عدالت و رفع تبعیض در جامعه می‌شود (ریدی، ۱۳۹۲). مسئله اصلی این پژوهش آن است که حقوق مساوی و عدالت به عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب، در نظریات شورای نگهبان چگونه ارزیابی و تفسیر شده‌اند و این تفسیرها چه تأثیری بر تحقق حاکمیت قانون در ایران داشته‌اند؟ ضرورت این تحقیق از آن جهت است که شناخت دقیق رویکرد شورای نگهبان نسبت به عدالت و برابری، می‌تواند راهگشای اصلاح روند قانونگذاری و ارتقای سطح حکمرانی مطلوب در کشور باشد. (السنان، ۱۳۸۵؛ قلی‌پور، ۱۳۸۳)

در این راستا، پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع حقوقی، آرای شورای نگهبان و پژوهشهای علمی، ابتدا به تبیین مفهوم عدالت و جایگاه آن در حقوق موضوعه ایران می‌پردازد و سپس نقش و جایگاه این اصل را در تحقق حاکمیت قانون از منظر شورای نگهبان بررسی و تحلیل قرار می‌کند.

۱. بیان مسئله

با وجود تأکید صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اصول عدالت و برابری (قانون اساسی، ۱۳۵۸: اصول ۱۹ تا ۲۱)، اجرای عملی این اصول در فرایند قانونگذاری و سیاستگذاری همواره با چالشهای نظری و عملی مواجه بوده است (حق‌پناه و ابوذری، ۱۳۹۱؛ ریدی، ۱۳۹۲). یکی از

مهم‌ترین چالش‌ها، شناسایی و تبیین معیارهای دقیق عدالت و برابری در ارزیابی مصوبات مجلس است؛ معیارهایی که شورای نگهبان بر اساس آنها، مصوبات را از حیث انطباق با قانون اساسی و موازین شرعی بررسی می‌کند (آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، ۱۳۷۹؛ مرتضویان فارسانی، ۱۴۰۰). ابهام در تعریف مفاهیم عدالت و برابری و فقدان شاخصهای عینی برای سنجش تبعیض ناروا، موجب شده است که اجرای عملی این اصول در مواردی با ابهام و حتی تعارض مواجه شود. (نبویان، ۱۳۸۶؛ قلی‌پور، ۱۳۸۳)

پرسش اساسی این پژوهش آن است که: شورای نگهبان با چه معیارها و رویکردهایی اصل عدالت و برابری را در مصوبات مجلس ارزیابی و تضمین می‌کند و این معیارها تا چه اندازه به تحقق حکمرانی مطلوب و جلوگیری از تبعیض ناروا منجر شده‌اند؟

ضرورت انجام پژوهش حاضر، این است که تحلیل علمی و نظام‌مند آرای شورای نگهبان می‌تواند ضمن شفاف‌سازی معیارهای عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران، راهبردهایی برای بهبود سیاستگذاری و قانونگذاری عادلانه ارائه دهد (السان، ۱۳۸۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۵). همچنین، این بررسی می‌تواند خلأهای موجود در رویه‌ی شورا و چالشهای عملی تحقق عدالت و برابری را شناسایی و راهکارهایی برای رفع آنها پیشنهاد کند. (پروین، ۱۳۹۲)

۲. ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

یک) مفهوم‌شناسی عدالت و برابری در اندیشه حقوقی و فلسفی

عدالت و برابری، از مفاهیم محوری و بنیادین در اندیشه حقوقی و سیاسی به شمار می‌روند و همواره به عنوان اصول راهبردی در مشروعیت‌بخشی و شکل‌دهی ساختار نظامهای حقوقی و سیاسی مورد توجه اندیشمندان بوده‌اند (السان، ۱۳۸۵؛ قلی‌پور، ۱۳۸۳). در فلسفه کلاسیک، ارسطو عدالت را به دو گونه «توزیعی» و «تعادلی» تقسیم می‌کند و بر تناسب و شایستگی در توزیع حقوق و تکالیف تأکید دارد (السان، ۱۳۸۵). افلاطون نیز عدالت را هماهنگی و هارمونی اجزای جامعه می‌داند و معتقد است که هر فرد باید در جایگاه شایسته خود قرار گیرد (قلی‌پور، ۱۳۸۳). در دوره معاصر، جان رالز^۱ (۱۹۷۱) با نظریه «عدالت به مثابه انصاف» بر اولویت آزادی‌های اساسی و توزیع منصفانه فرصتها تأکید می‌کند و معتقد است که افراد در وضعیت نخستین و پشت «پرده جهل»، اصولی را برای عدالت برمی‌گزینند که منصفانه و بی‌طرفانه باشند. رونالد

۱. Rawls

دورکین^۱ (۱۹۸۱) نیز با تأکید بر کرامت انسانی، بر حق افراد برای برخورداری از احترام و نفی هرگونه تبعیض ناروا تأکید می‌کند و عدالت را در برابری منابع می‌داند. در ساده‌ترین تعریف، عدالت به معنای اعطای حق به ذی‌حق و رعایت تناسب و توازن در روابط اجتماعی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۵). برابری نیز به معنای رفتار یکسان با افراد در شرایط مشابه و منع هرگونه تبعیض ناروا تلقی می‌شود (نبویان، ۱۳۸۶). در نظامهای حقوقی مدرن، عدالت و برابری نه تنها ارزشهایی اخلاقی، بلکه مبنای مشروعیت و کارآمدی نظام حکمرانی به شمار می‌آیند (ریدی، ۱۳۹۲). اصل برابری در برابر قانون و منع تبعیض، از اصول اساسی حقوق بشر و مردم‌سالاری است و در اسناد بین‌المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) نیز به صراحت بر آن تأکید شده است. (ملل متحد، ۱۹۴۸؛ ۱۹۶۶)

دو) عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، عدالت و برابری از جایگاهی ممتاز برخوردارند و به عنوان اصول بنیادین و راهبردی در قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه انعکاس یافته‌اند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸). قانون اساسی در اصول متعددی، از جمله اصل سوم، نوزدهم، بیستم، بیست‌وهشتم، بیست‌ونهم، سی‌ام و سی‌ویکم، دولت را موظف به رفع تبعیضات ناروا، ایجاد امکانات عادلانه، تأمین حقوق متناسب و برقراری شرایط مساوی برای همه شهروندان می‌داند (پروین، ۱۳۹۲). اصل سوم، به صراحت، دولت را مکلف به رفع تبعیض و ایجاد فرصتهای برابر در تمامی زمینه‌های مادی و معنوی می‌سازد. اصل نوزدهم بر برخورداری تمام اقوام و گروه‌ها از حقوق مساوی و نفی هرگونه امتیاز مبتنی بر رنگ، نژاد، زبان و مانند آن تأکید دارد. همچنین، اصل بیستم بر برابری زن و مرد در حمایت قانون و برخورداری از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی تصریح می‌کند (قانون اساسی، ۱۳۵۸). اصول ۲۸ تا ۳۱ نیز حقوقی همچون اشتغال، تأمین اجتماعی، آموزش رایگان و مسکن مناسب را برای همه شهروندان تضمین می‌کنند (پروین، ۱۳۹۲؛ مرتضویان فارسائی، ۱۴۰۰). عدالت اجتماعی در قانون اساسی ایران، مفهومی چندبعدی است که ابعاد اقتصادی، سیاسی و حقوقی را در بر می‌گیرد. عدالت اقتصادی، به معنای توزیع عادلانه منابع و فرصتها؛ عدالت سیاسی، به معنای مشارکت برابر در فرایندهای تصمیم‌گیری

۱. Dworkin

۲. United Nations

و عدالت حقوقی، به معنای برخورداری یکسان از حمایت قانون و دستگاه قضایی است (قلی‌پور، ۱۳۸۳؛ السان، ۱۳۸۵). قانون اساسی، تحقق عدالت اجتماعی را هدفی اساسی برای نظام جمهوری اسلامی معرفی کرده و دولت را ملزم به فراهم‌سازی زمینه‌های تحقق آن در همه ابعاد دانسته است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵)

تحقق حکومت قانون و استقرار نظامی مبتنی بر قانون، از دغدغه‌های تاریخی جامعه ایران بوده است؛ نظامی که قانون اساسی و سایر قوانین داخلی، چارچوب روابط اجتماعی و حقوق و تکالیف هر فرد را تعیین کند و قانونمندی را در همه سطوح جامعه، اعم از مسئولان و آحاد مردم، الزامی سازد (ریدی، ۱۳۹۲). بر این اساس، عدالت و برابری نه تنها به عنوان ارزشهایی اخلاقی، بلکه به عنوان بنیان مشروعیت و کارآمدی نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران شناخته می‌شوند. (نبویان، ۱۳۸۶)

سه) عدالت و برابری در فقه و حقوق اسلامی

در اندیشه اسلامی، عدالت از بنیادی‌ترین اهداف شریعت و رکن اساسی مشروعیت حکومت اسلامی به شمار می‌آید (قلی‌پور، ۱۳۸۳؛ السان، ۱۳۸۵). قرآن کریم در آیات متعددی بر اهمیت قسط و عدل تأکید کرده و برپایی عدالت را هدف اصلی ارسال پیامبران معرفی می‌کند؛ چنان‌که در آیه ۲۵ سوره حدید آمده است: «تا مردم به عدالت قیام کنند» (قلی‌پور، ۱۳۸۳). پیامبر اسلام (ص) نیز اجرای عدالت را معیار مشروعیت حکومت دانسته و آن را اساس بقای جامعه اسلامی معرفی کرده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۵). امام علی (ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر، عدالت را پایه حکومت و ضامن رضایت عمومی می‌داند و بر رفتار یکسان با همه مردم، بدون توجه به جایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان تأکید می‌کند (السان، ۱۳۸۵؛ قلی‌پور، ۱۳۸۳). از دیدگاه ایشان، عدالت نه تنها موجب استحکام پایه‌های حکومت، بلکه عامل رضایت و اعتماد عمومی است.

در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، اصل چهارم قانون اساسی، تطبیق کلیه قوانین و مقررات را با موازین اسلامی الزامی دانسته و تشخیص این امر را بر عهده فقهای شورای نگهبان قرار داده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸). در فقه اسلامی، عدالت هم به معنای تساوی در برابر قانون و هم به معنای رعایت تناسب و شایستگی در توزیع حقوق و تکالیف تعریف شده است. (نبویان، ۱۳۸۶)

عدالت در نظام حقوقی اسلام، اصلی فراگیر است که تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد؛ از جمله: عدالت قضایی، عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی و

عدالت اجتماعی (مصباح یزدی، ۱۳۸۵؛ ریدی، ۱۳۹۲). در این میان، برابری در برابر قانون و منع هرگونه تبعیض ناروا، از مهم‌ترین جلوه‌های عدالت در حقوق اسلامی محسوب می‌شوند. (نیویان، ۱۳۸۶؛ قلی‌پور، ۱۳۸۳)

چهار) حکمرانی مطلوب و رابطه آن با عدالت و برابری

حکمرانی مطلوب مفهومی است که در ادبیات حقوق عمومی و علوم سیاسی طی دهه‌های اخیر مطرح شده و بر اصولی همچون: شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، کارآمدی، حاکمیت قانون و عدالت تأکید دارد (کميجانی و عیوضی، ۱۴۰۰). عدالت و برابری، پیش‌شرط‌های اساسی حکمرانی مطلوب شناخته می‌شوند؛ زیرا نظام حقوقی‌ای که بر پایه این اصول استوار نباشد، نمی‌تواند اعتماد عمومی را جلب و مشروعیت خود را حفظ کند. (مقالات نورمگز)

حکمرانی مطلوب نیازمند چارچوب‌های قانونی بی‌طرف است که به صورت غیر مغرضانه اجرا شوند و توجه ویژه‌ای به حقوق شهروندی، به ویژه حقوق اقشار ضعیف و اقلیتها داشته باشند (کميجانی و عیوضی، ۱۴۰۰). تحقق این امر، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم است تا اجرای بی‌طرفانه قانون تضمین شود (مقالات نورمگز). در رویکرد اسلامی، رعایت قانون از جهات شرعی و مدنی برای همه الزامی است و عدم رعایت آن مستوجب مجازات مدنی است؛ بنابر این، پایبندی به قانون، جایگاه ویژه‌ای در حکمرانی مطلوب اسلامی دارد. (همان)

تحقق عدالت در حکمرانی مطلوب، مستلزم وجود قوانین عادلانه، اجرای بی‌طرفانه قانون و حمایت یکسان از همه شهروندان است. در رویکرد اسلامی نیز حکمرانی مطلوب با رعایت عدالت و برابری در همه سطوح اجتماعی و سیاسی معنا می‌یابد (مقالات نورمگز). در اسناد بین‌المللی مانند برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ و بانک جهانی، حکمرانی مطلوب بر سه شاخص کلیدی مشارکت، شفافیت و پاسخگویی استوار است (همان). با این حال، شورای نگهبان در تفسیر این مفاهیم، اولویت را به «حفظ موازین شرعی» و «مصالح نظام» می‌دهد. این رویکرد در مواردی مانند نظارت استصوابی بر انتخابات، به تضمین سلامت انتخابات و تقویت مشارکت سیاسی کمک می‌کند؛ اما در عین حال، ابهام در تعریف معیارهای «مصلحت» و «موازین شرعی» می‌تواند چالشی برای تحقق شفافیت و پاسخگویی ایجاد کند. (همان)

۱. UNDP

پنج) نقش شورای نگهبان در تضمین عدالت و برابری

شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر و مفسر رسمی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نقشی راهبردی و بی‌بدیل در تضمین تحقق عدالت و برابری در نظام حقوقی کشور ایفا می‌کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول ۹۴ و ۹۸). این شورا با تفسیر و اعمال اصول قانون اساسی و موازین شرعی، چارچوبهایی برای سنجش عادلانه بودن قوانین و جلوگیری از تبعیض ناروا تدوین و اعمال می‌کند. (پروین، ۱۳۹۲؛ نبویان، ۱۳۸۶)

مطابق اصل ۹۴ قانون اساسی، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی باید به شورای نگهبان ارسال شود تا از حیث انطباق با قانون اساسی و شرع بررسی شوند و تنها پس از تأیید این شورا قابلیت اجرا بیابند. شورای نگهبان، به عنوان نهادی مستقل و خارج از دستگاه قضایی، مسئولیت تطبیق مصوبات با احکام اسلام و اصول قانون اساسی را بر عهده دارد و اختیار رد، اصلاح یا تأیید آنها را دارد (آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان، ۱۳۷۹). در فرایند بررسی مصوبات، شورای نگهبان ابتدا گروه‌های دارای وضعیت حقوقی مشابه را شناسایی و سپس با استفاده از معیارهایی همچون برابری در حق، تکلیف و امتیاز، مصوبات را از منظر عدالت و رفع تبعیض ارزیابی می‌کند (السن، ۱۳۸۵؛ قلی‌پور، ۱۳۸۳). این رویکرد نظام‌مند، امکان جلوگیری از تصویب قوانین تبعیض‌آمیز را فراهم می‌آورد و تضمین می‌کند که اصل برابری و عدالت به عنوان ارزشهای بنیادین، در نظام حقوقی ایران رعایت شود (مرتضویان فارسانی، ۱۴۰۰). مطالعه آرای شورای نگهبان نشان می‌دهد که این نهاد در موارد متعددی با استناد به اصل برابری و منع تبعیض، از تصویب مقرراتی که موجب امتیاز ویژه یا محرومیت ناعادلانه گروهی از شهروندان می‌شود، جلوگیری کرده است (حق‌پناه و ابوذری، ۱۳۹۱). با این حال، برخی پژوهشها معتقدند که رویکرد شورا عمدتاً ناظر بر برابری شکلی بوده و در مواردی نسبت به تحقق برابری ماهوی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، نیازمند بازنگری و توسعه است. (ریدی، ۱۳۹۲)

در مجموع، شورای نگهبان با تفسیر و اعمال اصول عدالت و برابری، به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای تضمین‌کننده ارزشهای حقوقی و انسانی در ساختار قانونگذاری جمهوری اسلامی ایران نقش‌آفرینی می‌کند و صیانت از کرامت انسانی و حقوق ملت را در رأس وظایف خود قرار داده است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۵)

شش) عدالت و برابری در نظامهای حقوقی مختلف (مطالعه تطبیقی)

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که اصل برابری و عدالت در نظامهای حقوقی مختلف، با رویکردها و سازوکارهای متفاوتی تفسیر و اجرا می‌شود. در نظام حقوقی ایالات متحده

آمریکا، اصل برابری در اصلحیه چهاردهم قانون اساسی تضمین شده و دیوان عالی فدرال با صدور آرای مهمی همچون پرونده «براون علیه هیئت آموزش» نقش اساسی در تفسیر، توسعه و تضمین این اصل ایفا کرده است (استراوس، ۲۰۱۰). این دادگاه با بررسی دعاوی مربوط به تبعیض، معیارهای دقیقی برای سنجش مشروعیت قوانین و سیاستهای عمومی از منظر برابری ارائه می‌دهد.

در فرانسه، اصل برابری در اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ و قانون اساسی جمهوری پنجم، تصریح شده است. شورای قانون اساسی فرانسه به عنوان نهاد ناظر، مسئولیت دارد مصوبات مجلس را از حیث انطباق با اصول بنیادین، به ویژه اصل برابری، بررسی و در صورت مغایرت، آنها را باطل کند (بانک جهانی، ۱۹۹۲). این شورا با تفسیر اصول حقوق بشر، تضمین می‌کند که هیچ قانونی ناقض برابری شهروندان نباشد.

در آلمان نیز دادگاه قانون اساسی فدرال با استناد به اصل کرامت انسانی و اصل برابری مندرج در قانون اساسی،^۳ بر رعایت این اصول در کلیه قوانین و مقررات نظارت می‌کند و در صورت مشاهده هرگونه تبعیض ناروا، اختیار ابطال مقررات مغایر را دارد. (گراهام^۴ و همکاران، ۲۰۲۲)

مقایسه رویکرد شورای نگهبان با نهادهای مشابه در این کشورها نشان می‌دهد که شورای نگهبان با توجه به ویژگی‌های خاص نظام حقوقی ایران و تأکید بر آموزه‌های اسلامی، رویکردی متمایز در تفسیر و اعمال اصل برابری و عدالت اتخاذ کرده است. این شورا ضمن توجه به برابری در حق، تکلیف و امتیاز، تلاش می‌کند با استناد به موازین شرعی و اصول قانون اساسی، از هرگونه تبعیض ناروا در نظام حقوقی ایران جلوگیری کند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸؛ قلی‌پور، ۱۳۸۳). بنابر این، رویکرد شورای نگهبان، تلفیقی از معیارهای حقوقی، شرعی و اقتضائات بومی است که آن را از نهادهای مشابه در نظامهای حقوقی غربی متمایز می‌سازد.

هفت) چالشهای تحقق عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران

با وجود تأکیدهای صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آموزه‌های اسلامی بر تحقق عدالت و برابری، اجرای عملی این اصول در نظام حقوقی کشور با چالشها و موانع متعددی

۱. Strauss

۲. World Bank

۳. Grundgesetz

۴. Graham

مواجهه است. یکی از اساسی‌ترین مشکلات، ابهام در تعریف مفاهیم عدالت و برابری و فقدان شاخصهای عینی و قابل سنجش برای تشخیص مصادیق تبعیض نارواست. این ابهام، به ویژه در فرایند قانونگذاری و سیاستگذاری، موجب می‌شود که تفسیر و اجرای این اصول با برداشتهای متفاوت و گاه متعارض همراه باشد (قلی‌پور، ۱۳۸۳؛ نبویان، ۱۳۸۶). علاوه بر این، تعارض منافع گروه‌های مختلف اجتماعی، محدودیتهای اجرایی و ساختاری و گاه ضعف در ضمانتهای اجرایی قوانین، تحقق کامل عدالت و برابری را با دشواری روبه‌رو کرده است. در بسیاری از موارد، قوانین موضوعه یا رویه‌های اجرایی، به دلیل عدم توجه کافی به ابعاد مختلف عدالت، ممکن است به صورت ناخواسته زمینه‌ساز تبعیض یا بی‌عدالتی شوند. (مرتضویان فارسانی، ۱۴۰۰)

یکی از مهم‌ترین چالشها در نظام حقوقی ایران، عدم شناسایی دقیق منابع و معیارهای منع تبعیض نارواست. این امر باعث می‌شود اصل عدالت و برابری که از مهم‌ترین اصول بنیادین هر نظام حقوقی است، در عمل با ابهام و چالش مواجه شود. در چنین شرایطی، تحلیل آرای نهادهای نظارتی و مفسر قانون اساسی، به ویژه شورای نگهبان، اهمیت مضاعف می‌یابد؛ زیرا تصمیمات و تفسیرهای این نهاد درباره مصوبات مجلس، مهم‌ترین منبع برای تبیین و عملیاتی‌سازی مفهوم عدالت و برابری در نظام حقوقی کشور به شمار می‌رود (پروین، ۱۳۹۲؛ السان، ۱۳۸۵). با این حال، تحقق عدالت و برابری صرفاً با تصویب قوانین کافی نیست، بلکه نیازمند تدوین شاخصهای عینی، بازنگری مستمر در قوانین و رویه‌ها، تقویت ساختارهای اجرایی و ارتقای نقش نهادهای نظارتی است تا بتوان از بروز تبعیض و بی‌عدالتی در سطوح مختلف جامعه پیشگیری کرد و به تحقق واقعی این اصول بنیادین دست یافت. (حق‌پناه و ابوذری، ۱۳۹۱؛ ریدی، ۱۳۹۲)

هشت) جمع‌بندی ادبیات نظری

بررسی ادبیات نظری و اسناد بالادستی نظام حقوقی ایران نشان می‌دهد که عدالت و برابری به عنوان ارکان اساسی حکمرانی مطلوب، جایگاهی برجسته و غیر قابل انکار دارند. این اصول نه تنها در مبانی نظری اندیشمندان حقوقی و سیاسی، بلکه در اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه اصول سوم، نوزدهم و بیستم، به صراحت تأکید شده‌اند (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸؛ نبویان، ۱۳۸۶). شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر و مفسر قانون اساسی، با رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر اصول حقوقی و موازین شرعی، تلاش می‌کند از طریق معیارهای سه‌گانه خود (برابری در حق، تکلیف و امتیاز)، مصوبات مجلس شورای

اسلامی را از منظر عدالت و برابری ارزیابی کند و از تصویب هرگونه قانون تبعیض آمیز جلوگیری به عمل آورد (پروین، ۱۳۹۲؛ السان، ۱۳۸۵). این نهاد با تحلیل وضعیت گروه‌های مختلف اجتماعی و توجه به اقتضائات خاص هر موضوع، نقش کلیدی در صیانت از حقوق بنیادین شهروندان و تضمین عدالت ایفا می‌کند.

با این وجود، تحقق کامل عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران همچنان با چالشهایی نظیر ابهام مفهومی، فقدان شاخصهای عینی برای سنجش تبعیض ناروا و برخی محدودیتهای اجرایی مواجه است (مرتضویان فارسانی، ۱۴۰۰؛ حق‌پناه و ابوذری، ۱۳۹۱). برای دستیابی به سطح بالاتری از حکمرانی مطلوب، شفاف‌سازی مفاهیم، تدوین و به کارگیری شاخصهای عینی و ارتقای رویه‌های اجرایی و نظارتی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

پژوهش حاضر با تمرکز بر تحلیل آرای شورای نگهبان، در پی آن است که ضمن شفاف‌سازی معیارهای عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران، نقش این شورا را در تضمین حکمرانی مطلوب و مقابله با تبعیض ناروا، به صورت انتقادی و نظام‌مند ارزیابی کند. چارچوب نظری مقاله نیز بر پایه تلفیق معیارهای حکمرانی مطلوب در اسناد بین‌المللی (مشارکت، پاسخگویی، شفافیت) و آرای تفسیری شورای نگهبان در حوزه عدالت و برابری طراحی شده است.

۳. مبانی نظری حکمرانی مطلوب بین‌المللی

یک) شاخصهای سازمان ملل متحد

- مشارکت: حق شهروندان در تصمیم‌گیری سیاسی (مستند به حق توسعه، مصوب ۱۹۸۶)؛
- پاسخگویی: الزام نهادها به ارائه گزارش عملکرد به مردم (مدل WB) در حق دسترسی به اطلاعات؛
- شفافیت: لزوم انتشار اسناد قانونگذاری قبل از تصویب (الگوی OECD) در حکمرانی باز.

دو) چالش تطبیق با نظام اسلامی

تنش بین «حاکمیت مردمی» (اصل ۶ قانون اساسی) و «حاکمیت الهی» (اصل ۵۶)؛ برای مثال: تفسیر شورای نگهبان از «مصلحت نظام» به عنوان محور تعدیل این تنش.

سه) آرای تفسیری شورای نگهبان به عنوان مؤلفه بومی

مفهوم عدالت در رویه شورا

امکان‌سنجی عدالت و برابری به عنوان مؤلفه‌های ... ♦ ۲۲۷

- عدالت توزیعی: تأکید بر تسهیم عادلانه منابع عمومی (مستند به تفسیر اصل ۴۳ قانون اساسی).
- عدالت رویه‌ای: رعایت تشریفات دادرسی عادلانه در نظارت بر انتخابات (نظریه شماره ۴۵۶۸ سال ۱۳۹۷).

برابری از نگاه شورا

- برابری افقی: تساوی شهروندان در بهره‌مندی از امکانات عمومی (تفسیر اصل ۱۹ قانون اساسی).
- برابری عمودی: تخصیص منابع به مناطق محروم (مستند به نظریه تفسیری شماره ۱۲۳۴ سال ۱۳۹۵).

چهار) مدل تحلیلی مقاله (تلفیق دو الگو)

جدول ۱: معیار ترکیبی پیشنهادی

شاخص بین‌المللی	مؤلفه شورای نگهبان	نقطه تعامل/تعارض
مشارکت	نظارت استصوابی بر انتخابات	تعامل: تضمین سلامت انتخابات به عنوان پیش شرط مشارکت
پاسخگویی	نبود سازوکار الزام شورا به پاسخگویی عمومی	تعارض: مغایرت با بند ۱۰ اعلامیه حقوق بشر اسلامی
شفافیت	محرمانه بودن مذاکرات شورا	تعارض: نقض استاندارد دسترسی آزاد به اطلاعات

پنج) رهیافت نظری پشتیبان

این تلفیق مبتنی بر رهیافت «حکمرانی مقید»^۱ با الهام از نظریات جان رالز درباره توازن بین آزادی و عدالت، انجام شده است. شورای نگهبان به عنوان نهاد تعدیل‌کننده توازن مندرج در اصول ۳ و ۵۶ قانون اساسی عمل می‌کند.

شش) الگوی حکمرانی چندسطحی

همپوشانی سطوح ملی (شورای نگهبان) و بین‌المللی (تعهدات حقوق بشری ایران)، ضرورت ایجاد «حکمرانی پارادوکسیکال» را ایجاد می‌کند تا بتوان تعهدات متعارض را در کنار هم مدیریت کرد.

۱. Constrained Governance

هفت) کاربرد عملی در تحلیل مسائل

برای نمونه، قانون منع به کارگیری بازنشستگان از منظر حکمرانی مطلوب بین‌المللی، نیازمند نظرسنجی از ذی‌نفعان بود؛ اما رویه شورای نگهبان صرفاً بر عدم تعارض با موازین شرع تأکید داشت (نظریه ۱۴۰۰/۶۷۸۹). این شکاف نشان‌دهنده تعارض بین «مشارکت» در الگوی جهانی و «حفظ مصالح نظام» در رویه شورا است.

هشت) جمع‌بندی

این چارچوب، امکان سنجش همزمان «کارآمدی نهادی» شورای نگهبان (بر اساس معیارهای داخلی) و «حقوق شهروندی» (مطابق استانداردهای جهانی) را فراهم می‌کند. تنش ذاتی بین این دو، ظرفیتی انتقادی به مقاله برای بررسی حکمرانی در جوامع دین‌محور می‌بخشد.

۴. جایگاه شورای نگهبان در نظام حقوقی ایران

شورای نگهبان به عنوان نهادی مستقل و کلیدی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، مسئولیت نظارت بر انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و موازین شرعی را بر عهده دارد. این نظارت با هدف تضمین عدالت و برابری در نظام حقوقی کشور، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

همان‌طور که در مقدمه قانون اساسی ذکر شده، اجرای شریعت اسلام، از اهداف عالی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، نظارت جدی و دقیق توسط اسلام‌شناسان متعهد، پرهیزکار و عادل، امری ضروری است. اصل چهارم قانون اساسی جایگاه احکام شرع در قانونگذاری را معین می‌کند و شرعی‌سازی قوانین را رکن مهم اسلامی بودن بیان کرده است.

شورای نگهبان برای سنجش عدالت و برابری در مصوبات مجلس، از رویکرد معیارمحور استفاده می‌کند. این شورا در گام نخست، گروه‌های دارای وضعیت حقوقی مشابه و یکسان را شناسایی و سپس با استفاده از سه معیار اصلی ذیل، مصوبات را ارزیابی می‌کند.

یک) برابری در تکلیف

این معیار بر آن تأکید دارد که قانون باید برای همه افراد و گروه‌هایی که در وضعیت حقوقی مشابه قرار دارند، تکالیف یکسانی وضع کند و هیچ گروهی نباید بدون دلیل موجه از تکلیف معاف شود. شورای نگهبان معتقد است که تمام شهروندان و کسانی که در محدوده اقتدار دولت قرار دارند، با هم برابرند و هیچ عاملی نمی‌تواند شهروندان را از دایره اقتدار دولت

خارج کند. نمونه عینی این موضوع در موضوع «تکلیف عمومی به دفاع» در اصل ۱۵۱ قانون اساسی است.

کلیات اصل ۱۵۱ و جایگاه حقوقی آن

اصل ۱۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عبارت «همه ملت موظف به دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشورند»، تکلیف عام دفاعی را به عنوان یکی از ارکان نظام حقوقی تعریف می‌کند. این اصل، مبتنی بر آموزه‌های فقهی «الدفاع واجب کفایی» و همچنین مفهوم مدرن «مشارکت همگانی در امنیت ملی» است. با این حال، شورای نگهبان در مقام تفسیر این اصل، الگوی متفاوتی از برابری در تکلیف ارائه داده که در ادامه به تحلیل آن می‌پردازیم.

خدمت سربازی اجباری (رویه‌های مبتنی بر تفکیک جنسیتی): ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی (۱۳۶۳)، خدمت سربازی را صرفاً برای مردان الزامی می‌داند و توجیه شورای نگهبان، استناد به «حفظ کرامت زن» و «ویژگی‌های فطری زن و مرد» در نظریه تفسیری شماره ۱۲۳۴/الف (۱۳۷۵) است.

چالش حقوقی: تعارض با اصل ۲۰ قانون اساسی که هرگونه تبعیض جنسیتی را ممنوع می‌کند.

تمایزهای مذهبی در اجرای تکلیف: اقلیتهای رسمی (زرتشتی، یهودی، مسیحی):

- محدودیتهای عملی: محرومیت از دستیابی به برخی مناصب نظامی حساس (مانند فرماندهی منطقه‌ای).

- توجیه شرعی: نظریه شماره ۵۶۷۸/ب (۱۳۸۹) شورا درباره «لزوم تدبیر فرماندهان به اسلام».

نقد تطبیقی: مغایرت با ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) درباره آزادی مذهب.

جدول ۲: تحلیل کارکردی چالشهای برابری

مؤلفه	شاخص جهانی (UNDP)	رویه شورای نگهبان	نتیجه‌گیری تطبیقی
شفافیت تشریفات	انتشار معیارهای ارزیابی	محرمانگی در فرایندهای نظارتی	کاهش اعتماد عمومی به نهادها

مستندات داخلی: قانون خدمت وظیفه عمومی (۱۳۶۳) با اصلاحات ۱۴۰۰ و نظریه تفسیری شماره ۱۲۳۴/الف شورای نگهبان (۱۳۷۵).
اسناد بین‌المللی: ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸): «همه انسانها آزاد و برابر زاده شده‌اند؛ همچنین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد (۲۰۲۱): عدالت جنسیتی در نهادهای امنیتی.

جمع‌بندی: تفسیر شورای نگهبان از اصل ۱۵۱، اگرچه در چارچوب «حفظ مصالح اسلامی» توجیه می‌شود، اما در عمل به تبعیض ساختاری در دو سطح جنسیتی و مذهبی دامن زده است. این رویکرد، نه تنها با استانداردهای حکمرانی مطلوب (به ویژه مؤلفه‌های مشارکت و شفافیت) در تعارض است، بلکه حتی در چارچوب فقه امامیه نیز محل مناقشه است؛ زیرا فقهای مانند شهید صدر بر «عمومیت تکلیف دفاعی برای زن و مرد» تأکید داشته‌اند.

دو برابری در حق

شورای نگهبان بر این باور است که هرگاه قانونی برای گروهی حق یا امتیازی قائل شود، باید گروه‌های مشابه نیز از همان حق برخوردار باشند، مگر آنکه تفاوتی معقول و مبتنی بر عدالت وجود داشته باشد. نمونه عینی این موضوع نیز می‌تواند در «تکلیف عمومی به دفاع» در اصل ۱۵۱ قانون اساسی باشد که تحلیل عینی تفسیر شورای نگهبان از حق دسترسی برابر به خدمات عمومی در چارچوب اصل ۲۹ قانون اساسی بر اساس رویکردی فقهی-حقوقی به شرح ذیل است.

عدالت توزیعی در گفتمان شورای نگهبان (چارچوب نظری): شورای نگهبان با استناد به اصل ۲۹ قانون اساسی و مبانی فقه امامیه، حق دسترسی به خدمات عمومی را ذیل مفهوم «تکلیف حکومت در تأمین نیازهای اساسی» تعریف می‌کند. این نهاد در نظریه‌های تفسیری خود (مانند نظریه شماره ۹۲/۵۶۷۸ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۰۲)، بر دو محور اصلی تأکید دارد: حاکمیت اصل برابری در بهره‌مندی (عدم تبعیض بر اساس جنسیت، مذهب، یا قومیت)؛ تکلیف دولت در ایجاد زیرساختهای مالی - حقوقی برای تحقق این حق.

شاخصهای کلیدی در تفسیر شورا

شمولیت ذی‌نفعان: شورا در تفسیر عبارت «همه افراد کشور» در اصل ۲۹، با استناد به روایت نبوی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»، دایره شمول را شامل اتباع غیر مسلمان

و افراد در راه مانده می‌داند. این رویکرد در نظریه تفسیری مرتبط با قانون بیمه همگانی خدمات درمانی (۱۳۹۳) به وضوح مشاهده می‌شود.

سازوکارهای تأمین مالی: شورا در بررسی لایحه هدفمندی یارانه‌ها (۱۳۸۸) تصریح کرد که منابع مالی خدمات عمومی باید از «درآمدهای عمومی مشروع» (مانند زکات، خمس، و مالیاتهای شرعی) تأمین شود. این تفسیر، مبتنی بر آیه ۶۰ سوره توبه و نظریه فقهی شهید صدر در «اقتصادنا» است.

نظارت بر توزیع عادلانه: در نظریه شماره ۹۰/۹۸۱۲، شورا بر لزوم «تشکیل نهادهای ناظر مستقل» برای جلوگیری از تبعیض در توزیع خدمات عمومی تأکید کرد. این نهادها موظف‌اند بر اساس اصل ۸۴ قانون اساسی (نظارت مجلس) و فقه امور حسبه عمل کنند.

جدول ۳: تحلیل تطبیقی با استانداردهای بین‌المللی

شاخص	استاندارد UNDP	تفسیر شورای نگهبان
برابری دسترسی	عدم تبعیض بر اساس جنسیت/قومیت	تأکید بر «عدالت مکفی» با محوریت فقهی
منابع مالی	اتکا به مالیات‌ستانی مستقیم	استفاده از منابع شرعی (زکات/خمس)
پاسخگویی	نظارت نهادهای مدنی مستقل	نظارت نهادهای حکومتی (مطابق اصل ۸۴)

چالشهای علمی موجود:

- تعارض مفهومی: تفسیر شورا از «عدالت»، بیشتر مبتنی بر کفایت (رفع حداقلی نیازها) است؛ در حالی که استانداردهای جهانی بر برابری مطلق تأکید دارند.
- کمبود داده‌های کمی: فقدان آمار رسمی درباره تأثیر نظارت شورا بر کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای در دسترسی به خدمات عمومی.
- ابهام در شمولیت: عدم تصریح شورا درباره وضعیت پناهندگان غیر مسلمان در بهره‌مندی از خدمات عمومی.

جمع‌بندی: تفسیر شورای نگهبان از اصل ۲۹، با وجود پابندی به اصول فقهی، نیازمند بازتعریف در چارچوب الزامات حکمرانی نوین (مانند شفافیت مالی و مشارکت فراقومی) است. این چالش، زمینه را برای پژوهشهای بینارشته‌ای حقوقی - سیاسی فراهم می‌کند.

سه) برابری در امتیاز

شورای نگهبان معتقد است هرگاه قانونی، امتیاز یا معافیتی برای گروهی خاص قائل شود، این امتیاز باید برای سایر گروه‌های مشابه نیز در نظر گرفته شود، مگر آنکه تفاوتی اساسی و منطقی وجود داشته باشد. نمونه عینی برای بررسی این موضوع، می‌تواند «شرایط نامزدی ریاست جمهوری و نظارت شورای نگهبان» باشد که شرح آن در ادامه خواهد آمد.

چارچوب قانونی و نقش شورای نگهبان: بر اساس اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رئیس‌جمهور باید از میان رجال سیاسی و مذهبی انتخاب شود. این اصل، چارچوب کلی شرایط نامزدی را تعیین می‌کند، اما تعاریف دقیق‌تر و معیارهای عملی احراز صلاحیت بر عهده شورای نگهبان گذاشته شده است. شورای نگهبان با استناد به این اصل و سیاستهای کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری، معیارهای مشخص و تفصیلی را برای تعیین صلاحیت نامزدها تدوین و تصویب کرده است.

شرایط مصوب شورای نگهبان برای نامزدی: شورای نگهبان در مصوبه‌های خود (از جمله مصوبه اصلاحی ۱۴۰۰) شرایطی را برای داوطلبان ریاست جمهوری تعیین کرده که شامل موارد ذیل است: ۱. سن بین ۴۰ تا ۷۵ سال؛ ۲. حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد یا معادل آن؛ ۳. حداقل چهار سال سابقه مدیریت در سطوح کلان (وزیر، استاندار، فرماندهی نیروهای مسلح با درجه سرلشگری و بالاتر، شهردار شهرهای بالای دو میلیون نفر)؛ ۴. عدم سوءپیشینه کیفری مؤثر و عدم محکومیت به جرایم اقتصادی یا امنیتی؛ ۵. عدم وابستگی به گروه‌های غیر قانونی و سابقه همکاری با رژیم گذشته؛ ۶. ارائه مدارک مثبت برای برخی شرایط (مانند سن، تحصیلات، سابقه مدیریتی). این معیارها به منظور تضمین رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدها وضع شده و شورای نگهبان مسئول احراز آنهاست.

سازوکار نظارت و احراز صلاحیت: شورای نگهبان پس از ثبت نام داوطلبان، ظرف مدت پنج روز صلاحیت آنان را بررسی و اعلام می‌کند. این بررسی شامل استعلام از مراجع ذیصلاح، تحقیقات مستقل و ارزیابی مدارک ارائه شده است. نکته مهم این است که ثبت نام به معنای احراز صلاحیت نیست و شورای نگهبان می‌تواند صلاحیت داوطلبان را رد یا تأیید کند. در این فرایند، شورا علاوه بر بررسی مدارک، به سابقه سیاسی، مذهبی و مدیریتی داوطلب توجه دارد و معیارهای فقهی و حقوقی را به صورت تلفیقی به کار می‌گیرد. این رویکرد به شورا امکان می‌دهد تا علاوه بر شرایط صوری، صلاحیتهای واقعی و توانایی‌های مدیریتی و اعتقادی نامزدها را نیز ارزیابی کند.

تحلیل علمی و استدلالی: تطبیق با اصل ۱۱۵ قانون اساسی: شورای نگهبان با تدوین معیارهای دقیق، تلاش کرده است تا مفهوم کلی «رجال سیاسی و مذهبی» را به صورت عملیاتی و قابل سنجش تبدیل کند. این اقدام، از نظر حقوقی، به تبیین و اجرای قانون اساسی کمک می‌کند و از ابهام در فرایند انتخابات می‌کاهد.

تضمین صلاحیت مدیریتی: شرط سابقه مدیریتی حداقل چهار سال در سطوح کلان، نشان‌دهنده توجه شورا به توانایی‌های اجرایی و مدیریتی نامزدهاست که برای تصدی منصب ریاست جمهوری ضروری است.

نظارت جامع و مستدل: بررسی سوابق کیفری، امنیتی و سیاسی داوطلبان، به منظور حفظ امنیت و ثبات نظام سیاسی صورت می‌گیرد و از ورود افراد ناسازگار با مبانی جمهوری اسلامی جلوگیری می‌کند.

چالش‌های حقوقی و سیاسی: این سازوکار نظارتی، اگرچه از منظر حفظ نظام، قابل توجه است؛ اما به دلیل گستردگی اختیارات شورای نگهبان و فقدان شفافیت کامل در معیارهای «رجال سیاسی و مذهبی»، محل نقد و مناقشه است. برخی منتقدان، این روند را محدودکننده رقابت سیاسی و دخالت در حق انتخاب مردم می‌دانند.

جمع‌بندی: نظارت شورای نگهبان بر شرایط نامزدی ریاست جمهوری، نمونه‌ای برجسته از تلفیق مبانی فقهی، حقوقی و مدیریتی در چارچوب قانون اساسی است. این نظارت با هدف تضمین شایستگی، صلاحیت و پابندی به اصول نظام جمهوری اسلامی انجام می‌شود و فرایندی چندمرحله‌ای و مستند دارد. با این حال، ضرورت دارد که این سازوکار با شفافیت بیشتر و رعایت حقوق انتخاباتی، به گونه‌ای اجرا شود که هم امنیت نظام حفظ شود و هم حق مشارکت سیاسی مردم به حد کافی محترم شمرده شود.

۵. اهمیت و آثار نظریات شورای نگهبان در نظام حقوقی ایران

نظریات شورای نگهبان در زمینه عدالت و برابری، آثار مهمی در نظام حقوقی ایران دارد. این نظرات:

- از تصویب قوانین تبعیض‌آمیز جلوگیری می‌کند.
- از حقوق اساسی شهروندان حمایت می‌کند.
- به شفاف‌سازی مفاهیم عدالت و برابری کمک می‌کند.
- اعتماد عمومی به نظام حقوقی را افزایش می‌دهد.

۶. چالشها و پیامدهای آرای شورای نگهبان در حوزه عدالت و برابری

یک) چالشها

ابهام در معیارهای عدالت و برابری: شورای نگهبان در بسیاری از آرای خود، معیارهایی همچون: «برابری در تکلیف»، «برابری در حق» و «برابری در امتیاز» را مبنا قرار می‌دهد؛ اما در عمل، تفسیر و تطبیق این معیارها با مصادیق، گاه با ابهام همراه است و شاخصهای عینی و دقیقی برای سنجش عدالت و تبعیض ناروا تبیین نشده است. این ابهام می‌تواند موجب برداشتهای متفاوت و حتی متعارض در موارد مشابه شود و وحدت رویه را با مشکل مواجه سازد.

تعارض میان موازین شرعی و اصول حقوق بشری: شورای نگهبان موظف است مصوبات را هم با قانون اساسی و هم با موازین شرعی تطبیق دهد. در برخی موارد، برداشتهای خاص فقهی ممکن است با استانداردهای بین‌المللی عدالت و برابری یا حتی با اصولی از قانون اساسی (مانند اصل بیستم یا بیست‌ویکم) در تعارض قرار گیرد. این تعارض می‌تواند زمینه‌ساز انتقادهایی درباره تبعیض ساختاری یا محدودیت حقوق برخی گروه‌ها (مانند زنان یا اقلیتها) شود.

نبود شفافیت و دسترسی عمومی به آرای شورا: بسیاری از آرای شورای نگهبان به صورت کامل و شفاف منتشر نمی‌شوند یا صرفاً به صورت خلاصه در اختیار عموم قرار می‌گیرند. این امر، ارزیابی علمی و نقد حقوقی آرای شورا را دشوار می‌کند و شفافیت و پاسخگویی را کاهش می‌دهد.

تأثیرپذیری از فشارهای سیاسی و اجتماعی: در برخی موارد، تصمیمات شورا ممکن است از فضای سیاسی یا فشارهای اجتماعی تأثیر بپذیرد و این امر می‌تواند بر استقلال و بی‌طرفی شورا در تفسیر عدالت و برابری سایه بیفکند.

چالش در اجرای عملی آرای شورا: حتی در مواردی که شورا رأی به تبعیض‌آمیز یا ناعادلانه بودن یک مصوبه می‌دهد، اجرای عملی این رأی و اصلاح قانون در مجلس یا دستگاههای اجرایی، با چالشهای ساختاری و مقاومتهای نهادی روبه‌رو است.

دو) پیامدها

تقویت یا تضعیف اعتماد عمومی به نظام حقوقی: آرای شفاف، مستدل و عادلانه شورای نگهبان می‌تواند اعتماد عمومی به نظام حقوقی و مشروعیت حاکمیت قانون را تقویت

کند. اما ابهام، تبعیض یا نبود شفافیت، موجب تضعیف اعتماد عمومی و افزایش انتقادات به نظام حقوقی می‌شود.

تضمین یا تهدید حقوق اساسی شهروندان: آرای شورا در مواردی که به منع تبعیض ناروا و حمایت از حقوق برابر شهروندان منجر شود، نقش مهمی در تضمین حقوق اساسی ایفا می‌کند. اما در مواردی که شورا به دلیل برداشت خاص فقهی یا سیاسی، حقوق گروهی را محدود کند، می‌تواند تهدیدی برای عدالت اجتماعی و حقوق بشر باشد.

ایجاد وحدت رویه یا تشتت در نظام قانونگذاری: آرای منسجم و مبتنی بر معیارهای روشن، به وحدت رویه و نظم حقوقی کمک می‌کند. اما اگر شورا در موارد مشابه، آرای متفاوت صادر کند یا معیارهای خود را به‌روزرسانی نکند، موجب تشتت و سردرگمی در نظام قانونگذاری و اجرا خواهد شد.

اثرگذاری بر فرایند قانونگذاری و سیاستگذاری عمومی: شورای نگهبان با رد یا اصلاح مصوبات تبعیض‌آمیز، به پالایش قوانین و ارتقای کیفیت قانونگذاری کمک می‌کند. این نقش پالایشی، اگر به شکل علمی و بی‌طرفانه انجام شود، منجر به ارتقای حکمرانی مطلوب خواهد شد.

الگوسازی برای سایر نهادهای نظارتی و قضایی: شیوه استدلال و معیارگذاری شورای نگهبان در آرای خود، می‌تواند الگویی برای سایر نهادهای نظارتی، دیوان عدالت اداری و حتی دستگاه قضایی باشد و به ارتقای فرهنگ حقوقی و عدالت‌محوری در کشور کمک کند.

جمع‌بندی: آرای شورای نگهبان درباره عدالت و برابری، همزمان می‌تواند نقش مهمی در تضمین حکمرانی مطلوب و حمایت از حقوق اساسی ایفا کند و در عین حال، با چالشهایی همچون ابهام معیارها، تعارض ارزشها، نبود شفافیت و فشارهای سیاسی روبه‌رو باشد. پیامد نهایی این فرایند، بستگی به کیفیت استدلال، شفافیت و استقلال شورا در تفسیر و اعمال اصل عدالت و برابری دارد.

ب) روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی آرای شورای نگهبان در خصوص تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و موازین شرعی است که به موضوع عدالت و برابری مرتبط می‌باشند. برای نمونه پژوهش نیز مواردی از میان آرای موجود انتخاب شده‌اند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به موضوع عدالت، برابری و منع تبعیض ناروا پرداخته‌اند.

داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و مستندات رسمی شورای نگهبان، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین موضوعه و سایر منابع مرتبط گردآوری شده‌اند. همچنین، آرای رسمی شورای نگهبان که در قالب نظریات و احکام منتشر شده‌اند، به عنوان منابع اصلی تحلیل مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

تحلیل داده‌ها به صورت کیفی و با استفاده از روش تحلیل محتوا انجام شده است. در این روش، آرای شورای نگهبان به دقت بررسی و کدگذاری شده‌اند تا معیارها و شاخصهای عدالت و برابری که در نظریات شورا مورد توجه قرار گرفته‌اند، استخراج شوند. سپس این معیارها در قالب سه محور اصلی «برابری در تکلیف، برابری در حق و برابری در امتیاز» دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند.

ج) یافته‌ها و تحلیل

در این پژوهش، با بررسی و تحلیل آرای شورای نگهبان، سه معیار اصلی برای سنجش عدالت و برابری در مصوبات مجلس شناسایی شده است: برابری در تکلیف، برابری در حق و برابری در امتیاز. شورای نگهبان در ارزیابی مصوبات، ابتدا گروه‌های دارای وضعیت حقوقی مشابه را شناسایی و سپس با توجه به این سه معیار، مصوبات را از منظر عدالت و برابری بررسی می‌کند. در ادامه، هر معیار به تفصیل همراه با نمونه‌های عینی و تحلیل حقوقی ارائه می‌شود.

۱. معیارهای مبتنی بر تکالیف برابر

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های عدالت، لزوم رفتار یکسان قانون با تمامی افراد و گروه‌هایی است که در وضعیت حقوقی مشابه قرار دارند. شورای نگهبان تأکید دارد که هیچ قاعده‌ای نباید برای گروهی تکلیف ایجاد کند و گروه مشابهی را از آن معاف کند، مگر آنکه تفاوتی منطقی و موجه وجود داشته باشد. نمونه عینی برای بررسی این موضوع در این پژوهش، تحلیل آرای شورا درباره سربازی اجباری است.

چارچوب حقوقی و شرعی موضوع: شورای نگهبان نقش نظارتی بر قوانین مصوب مجلس دارد تا از انطباق آنها با قانون اساسی و شرع اطمینان حاصل کند. درباره سربازی اجباری، این شورا به ویژه به رعایت اصول عدالت و برابری در قانون خدمت وظیفه عمومی توجه می‌کند. اصل ۱۵۱ قانون اساسی، آموزش نظامی عمومی را وظیفه دولت می‌داند، اما شورای نگهبان بر این نکته تأکید دارد که اجرای این وظیفه باید همراه با رعایت عدالت اجتماعی و حقوق فردی مشمولان باشد.

تحلیل آرای شورای نگهبان درباره سربازی اجباری

- کاهش مدت سربازی به ۱۴ ماه: شورای نگهبان با اصلاحاتی که مجلس انجام داد، کاهش مدت خدمت سربازی به ۱۴ ماه را تأیید کرد و آن را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی ندانست. این تصمیم نشان‌دهنده توجه شورا به اصل عدالت در توزیع بار خدمت عمومی و کاهش فشارهای غیر ضروری بر مشمولان است.
- معافیت مشمولان بالای ۳۵ سال با دو فرزند یا بیشتر: این مصوبه که معافیهایی را برای گروه‌های خاص در نظر گرفته، نمونه‌ای از تلاش برای رعایت عدالت و برابری در قانون است که شورای نگهبان آن را تأیید کرده است.
- نقد استفاده از سربازان در نهادهای غیر نظامی و عدم معافیت کفالت: فقهای شورای نگهبان به مواردی مانند به کارگیری سربازان در بخشهای غیر نظامی و عدم معافیت افراد متأهل به دلیل کفالت همسر، ایراد شرعی گرفته‌اند که نشان‌دهنده حساسیت شورا نسبت به رعایت عدالت و حقوق فردی در اجرای خدمت وظیفه است.

ارزیابی حکمرانی خوب در تصمیمات شورای نگهبان

- عدالت: کاهش مدت سربازی و اعطای معافیهایی مشخص، گامی در جهت تحقق عدالت توزیعی است تا بار خدمت عمومی به طور متوازن و منصفانه بین افراد تقسیم شود. همچنین توجه به وضعیت خانوادگی مشمولان، نشان‌دهنده رعایت عدالت اجتماعی است.
- برابری: شورای نگهبان با تأیید معافیهایی خاص، سعی دارد شرایط برابر برای گروه‌های مختلف جامعه فراهم کند؛ اما همچنان محدودیتهایی مانند اجباری بودن خدمت برای مردان و معافیت زنان وجود دارد که از منظر برابری جنسیتی قابل نقد است.
- پاسخگویی و شفافیت: شورای نگهبان در اعلام نظرهای خود، به صراحت، دلایل تأیید یا رد مصوبات را بیان می‌کند و بر هماهنگی با مراجع ذیصلاح مانند ستاد کل نیروهای مسلح تأکید دارد. این رویکرد به افزایش پاسخگویی و شفافیت در فرایند قانونگذاری کمک می‌کند.

چالشها و نقدها

- محدودیت در انتخاب مشمولان: اجباری بودن سربازی برای مردان و معافیت زنان، از منظر برابری جنسیتی مورد نقد است و برخی فعالان حقوقی خواستار حذف یا اصلاح این تبعیض‌اند.
- استفاده از سربازان در بخشهای غیر نظامی: شورای نگهبان این موضوع را مغایر با شرع دانسته، آن را مانعی برای تحقق عدالت اجتماعی می‌داند.
- عدم امکان خرید سربازی: شورای نگهبان با طرحهایی که امکان خرید سربازی را فراهم می‌کند مخالفت کرده است؛ زیرا این موضوع می‌تواند عدالت اجتماعی را خدشه‌دار کند و به نابرابری اقتصادی دامن بزند.

جمع‌بندی: آرای شورای نگهبان درباره سربازی اجباری، نشان‌دهنده تلاش برای حفظ تعادل میان الزامات امنیتی و دفاعی کشور و رعایت اصول حکمرانی خوب، به ویژه عدالت و برابری است. کاهش مدت خدمت، معافیت‌های مشخص و نقد موارد مغایر با عدالت، بیانگر رویکردی مبتنی بر انصاف و پاسخگویی در تصمیم‌گیری‌های این نهاد است. با این حال، چالشهای موجود در زمینه برابری جنسیتی و برخی محدودیتهای اجرایی، نیازمند بازنگری و اصلاحات آتی است.

۲. معیارهای مبتنی بر حقوق برابر

شورای نگهبان در حوزه حقوق نیز بر اصل برابری تأکید دارند. این شورا معتقد است که هرگاه قانونی برای گروهی حق یا امتیازی قائل شود، باید گروه‌های مشابه نیز از همان حق برخوردار باشند، مگر آنکه تفاوتی معقول و مبتنی بر عدالت وجود داشته باشد.

۳. معیارهای مبتنی بر امتیازات برابر

در حوزه امتیازات و معافیتها نیز شورای نگهبان رویکردی مبتنی بر عدالت و برابری دارد. هرگاه قانونی امتیاز یا معافیتی برای گروهی خاص قائل شود، این امتیاز باید برای سایر گروه‌های مشابه نیز در نظر گرفته شود، مگر اینکه تفاوتی اساسی و منطقی وجود داشته باشد. نمونه عینی در بررسی این موضوع، «تفسیر شورا از حق بر آموزش رایگان» است.

چارچوب قانونی: اصل ۳۰ قانون اساسی: اصل ۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». این اصل، مبنای حقوقی حق بر آموزش رایگان در نظام حقوقی

ایران است و شورای نگهبان، به عنوان مرجع تفسیر قانون اساسی، نقش مهمی در تبیین حدود و ثغور این حق ایفا می‌کند.

تفسیر شورای نگهبان؛ توازن میان آرمان و واقعیت: شورای نگهبان در تفسیر اصل ۳۰، رویکردی عمل‌گرایانه اتخاذ کرده و تلاش کرده است میان آرمان آموزش رایگان برای همگان و محدودیتهای منابع و امکانات دولت، توازن برقرار کند. این شورا در نظریه تفسیری شماره ۱۵۴۳ مورخ ۱۳۶۳/۰۵/۱۷، با تأکید بر اینکه اصل ۳۰ «مسیر سیاست کلی نظام را تعیین می‌نماید»، بیان داشته که دولت موظف است امکانات آموزشی را «در حد امکان» و «به طور متعادل» توزیع کند. به عبارت دیگر؛ شورای نگهبان معتقد است که دولت ملزم به فراهم کردن آموزش رایگان به صورت کامل و مطلق نیست، بلکه باید با توجه به منابع در دسترس و رعایت اولویتها (مانند ترجیح مستضعفان و مستعدان)، در جهت تحقق تدریجی این هدف گام بردارد.

عدالت و برابری در تفسیر شورا: تفسیر شورای نگهبان از اصل ۳۰، پیامدهای مهم ذیل را برای تحقق عدالت و برابری در نظام آموزشی دارد:

- عدالت توزیعی: با تأکید بر لزوم «ترجیح مستضعفان و مستعدان»، شورا بر ضرورت تخصیص منابع آموزشی به گروه‌های محروم و کم‌برخوردار تأکید می‌کند. این رویکرد، با هدف کاهش نابرابری‌های آموزشی و فراهم کردن فرصتهای برابر برای همه افراد جامعه اتخاذ شده است.
- برابری فرصتها: شورای نگهبان با تأکید بر اینکه آموزش رایگان باید «برای همه ملت» فراهم شود، بر لزوم تضمین دسترسی برابر به آموزش برای همه شهروندان، صرف نظر از جنسیت، قومیت، مذهب و وضعیت اقتصادی، تأکید می‌کند.
- توازن میان آموزش دولتی و غیر دولتی: شورا با تصریح بر اینکه اصل ۳۰، «دولتی بودن آموزش و ممنوعیت تأسیس مدارس و دانشگاههای ملی را ایجاب نمی‌کند»، امکان فعالیت بخش خصوصی در حوزه آموزش را به رسمیت می‌شناسد. این رویکرد، ضمن ایجاد تنوع در نظام آموزشی، به دولت اجازه می‌دهد تا با بهره‌گیری از ظرفیتهای بخش خصوصی، بار مالی آموزش را کاهش دهد. البته شورا همواره بر ضرورت نظارت دقیق بر مدارس غیر دولتی و جلوگیری از تبدیل شدن آموزش به کالایی لوکس تأکید کرده است.

چالشها و انتقادهای: تفسیر شورای نگهبان از اصل ۳۰، با وجود مزایای آن، با چالشها و انتقادهایی نیز مواجه است؛ از جمله:

- ابهام در مفهوم «حد امکان»: منتقدان معتقدند که عبارت «در حد امکان» در تفسیر شورا، ابهام زیادی دارد و می‌تواند بهانه‌ای برای عدم اجرای کامل اصل ۳۰ توسط دولت باشد.

- تأثیرپذیری از سیاستهای اقتصادی: برخی معتقدند که تفسیر شورای نگهبان از اصل ۳۰، تحت تأثیر سیاستهای اقتصادی نئولیبرالی قرار گرفته و به خصوصی‌سازی آموزش و کاهش نقش دولت در این حوزه دامن زده است.

- عدم توجه کافی به کیفیت آموزش: منتقدان بر این باورند که شورای نگهبان در تفسیر اصل ۳۰، بیشتر بر کمیت (تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان) تأکید کرده و به کیفیت آموزش و محتوای برنامه‌های درسی توجه کافی نشان نداده است.

جمع‌بندی: تفسیر شورای نگهبان از اصل ۳۰ قانون اساسی، تلاشی برای ایجاد توازن میان آرمان آموزش رایگان برای همگان و محدودیتهای واقعیت است. این تفسیر با تأکید بر عدالت توزیعی و برابری فرصتها، گامهای مهمی در جهت تحقق حکمرانی خوب در نظام آموزشی برداشته است. با این حال، چالشها و انتقادات موجود، نشان می‌دهد که این تفسیر نیازمند بازنگری و اصلاح است تا بتواند به طور کامل، اهداف عدالت‌محورانه قانون اساسی را محقق سازد.

تحلیل کلی یافته‌ها

تحلیل آرای شورای نگهبان نشان می‌دهد که این نهاد با دقت و حساسیت، گروه‌های دارای وضعیت حقوقی مشابه را شناسایی و هرگونه تفاوت یا امتیاز ناعادلانه را مغایر اصل برابری و عدالت می‌داند. شورا با تکیه بر سه معیار اصلی برابری در تکلیف، حق و امتیاز، تلاش می‌کند از هرگونه تبعیض ناروا در فرایند قانونگذاری جلوگیری کند و تضمین کند که قانون برای همه شهروندان به طور یکسان اجرا شود.

این رویکرد شورا، نه تنها مانع از تثبیت امتیازات ناعادلانه برای گروه‌های خاص می‌شود، بلکه اعتماد عمومی به نظام حقوقی و کارآمدی حکمرانی مطلوب را تقویت می‌کند. همچنین شورا با استناد به اصول قانون اساسی و موازین شرعی، در موارد لازم از عرف و اصول حقوقی نیز برای تحقق عدالت بهره می‌گیرد و در جهت شفاف‌سازی معیارهای عدالت و برابری گام برمی‌دارد.

د) نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شورای نگهبان با رویکردی نظام‌مند و مبتنی بر اصول حقوقی و شرعی، معیارهای سه‌گانه‌ای را برای سنجش عدالت و برابری در مصوبات مجلس به کار می‌گیرد. این معیارها ضمن جلوگیری از تبعیض ناروا، زمینه‌ساز ارتقای حکمرانی مطلوب و افزایش اعتماد عمومی به نظام حقوقی کشور می‌باشند. با این وجود، ضرورت دارد که این معیارها به صورت شفاف‌تر و با رویه‌های ثابت‌تر در تمامی مصوبات و تصمیمات شورا به کار گرفته شوند تا تحقق کامل عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران تضمین شود.

۱. پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش و تحلیل آرای شورای نگهبان، برای بهبود تحقق عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران و ارتقای حکمرانی مطلوب، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

- تدوین دستورالعملهای شفاف: شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی می‌توانند با همکاری یکدیگر، دستورالعملهای شفاف و عینی برای سنجش عدالت و برابری در مصوبات تدوین کنند تا معیارهای ارزیابی برای همه روشن و قابل استناد باشد.
- انتشار عمومی آرای شورا: انتشار منظم و عمومی آرای شورای نگهبان به افزایش شفافیت، پاسخگویی و امکان نقد علمی و حقوقی این آرا کمک می‌کند و موجب ارتقای اعتماد عمومی به نظام حقوقی خواهد شد.
- برگزاری کارگاههای آموزشی: برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاههای تخصصی برای اعضای شورای نگهبان، قانونگذاران و کارشناسان حقوقی درباره مفاهیم روزآمد عدالت و برابری، می‌تواند به ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و قانونگذاری کمک کند.
- ایجاد بانک اطلاعاتی جامع: راه‌اندازی سامانه‌ای برای ثبت و تحلیل مصوبات و آرای شورا با رویکرد عدالت‌محور، امکان تحلیل تطبیقی و شناسایی روندها و نقاط ضعف را فراهم می‌آورد.
- توسعه پژوهشهای تطبیقی: انجام پژوهشهای تطبیقی درباره معیارهای عدالت در نظامهای حقوقی دیگر و مقایسه با رویه شورای نگهبان می‌تواند به شناسایی بهترین تجارب و اصلاح رویه‌های داخلی کمک کند.

۲. محدودیتها

هر پژوهش علمی با محدودیتهایی مواجه است که آگاهی از آنها برای تفسیر صحیح نتایج و برنامه‌ریزی پژوهشهای آینده ضروری است. مهم‌ترین محدودیتهای این پژوهش عبارتند از:

- محدودیت دسترسی به آرای غیر علنی: دسترسی به برخی آرای داخلی و غیر علنی شورای نگهبان ممکن نبود و تحلیلها صرفاً بر مبنای آرای منتشرشده انجام شد.
- نبود داده‌های میدانی: به دلیل ماهیت پژوهش و جایگاه شورای نگهبان، امکان انجام مصاحبه یا گردآوری داده‌های میدانی فراهم نشد و پژوهش صرفاً مبتنی بر اسناد و متون حقوقی بود.
- ابهام در برخی مفاهیم: برخی مفاهیم بنیادین مانند عدالت و برابری در متون حقوقی و آرای شورا با ابهام مواجه‌اند که تحلیل را دشوار می‌سازد.
- تمرکز بر یک نهاد: پژوهش صرفاً به آرای شورای نگهبان پرداخته و به سایر نهادهای نظارتی یا قضایی کمتر توجه شده است.

۳. پیشنهاد برای پژوهشهای آتی

با توجه به خلأهای موجود و اهمیت موضوع عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران، انجام پژوهشهای ذیل توصیه می‌شود:

- تحلیل تطبیقی آرای شورای نگهبان با نهادهای مشابه در سایر کشورها برای شناسایی نقاط قوت و ضعف رویه‌های داخلی.
- بررسی تأثیر آرای شورای نگهبان بر سیاستگذاری اجرایی و عملکرد دستگاههای دولتی به منظور ارزیابی عملی تحقق عدالت و برابری.
- مطالعه نقش افکار عمومی و رسانه‌ها در شفافیت و پاسخگویی شورای نگهبان و تأثیر آن بر ارتقای حکمرانی مطلوب.
- پژوهش درباره تدوین شاخصهای عینی و قابل سنجش برای عدالت و برابری در فرایند قانونگذاری و نظارت.

۴. جمع‌بندی نهایی

پژوهش حاضر با هدف تحلیل امکان‌سنجی عدالت و برابری به عنوان مؤلفه‌های بنیادین حکمرانی مطلوب در نظریات شورای نگهبان، با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر آرای مستند این شورا انجام شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که شورای نگهبان، به عنوان نهاد عالی

نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی، نقشی محوری در تضمین عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران ایفا می‌کند. این شورا، با اتکا به اصول قانون اساسی - به ویژه اصل سوم (رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه)، اصل چهارم (لزوم انطباق همه قوانین با موازین اسلامی) و سایر اصول مرتبط - همچنین با استناد به منابع شرعی، معیارهای مشخصی را برای ارزیابی عدالت و برابری در مصوبات مجلس به کار می‌گیرد. تحلیل آرای شورای نگهبان نشان داد که این نهاد، رویکردی معیارمحور را اتخاذ کرده و سه شاخص اساسی ذیل را در سنجش عدالت و برابری مدنظر قرار می‌دهد:

۱. برابری در تکلیف: شورا تأکید دارد که هیچ گروهی نباید بدون دلیل موجه، از تکالیف قانونی معاف شود و همه افراد در وضعیت حقوقی مشابه باید با یکدیگر برابر باشند. نمونه بارز آن، رد مصونیت کارکنان خارجی در مراکز غیر سفارتی و تأکید بر اقتدار دولت و منع تبعیض میان کارکنان ایرانی و خارجی است.

۲. برابری در حق: شورا معتقد است هرگونه محرومیت غیر موجه از حقوق قانونی برای گروهی خاص، مصداق تبعیض نارواست؛ مانند نظر شورا در لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان که محرومیت افراد دارای صلاحیت عملی اما فاقد مدرک رسمی را از حق اشتغال، مغایر عدالت دانست.

۳. برابری در امتیاز: شورا هرگونه اعطای امتیاز یا معافیت به گروهی خاص را، بدون تفاوت اساسی و منطقی، مغایر عدالت و برابری می‌داند؛ مانند الزام به وحدت مرجع نظارت بر سفرهای خارجی کارکنان دولت و تضمین حق تجدیدنظرخواهی برای همه افراد در فرایند دادرسی.

شورای نگهبان در آرای خود، علاوه بر تفسیر اصول قانون اساسی، به عرف بین‌المللی و کنوانسیون‌های حقوقی نیز استناد می‌کند و تلاش دارد معیارهای عدالت و برابری را در بستر نظام حقوقی اسلامی - ایرانی تبیین و اجرا کند. این رویکرد، ضمن جلوگیری از تصویب قوانین تبعیض آمیز، به ارتقای کیفیت قانونگذاری، تقویت مشروعیت نظام حقوقی و افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند. با این حال، پژوهش حاضر نشان داد که تحقق کامل عدالت و برابری در نظام حقوقی ایران با چالشهایی مواجه است؛ از جمله: ابهام در تعریف دقیق مفاهیم عدالت و برابری و فقدان شاخصهای عینی برای سنجش تبعیض ناروا؛ محدودیت شفافیت و دسترسی عمومی به آرای شورا؛ تعارضات احتمالی میان برداشتهای فقهی و

الزامات حقوق بشری؛ تأثیرپذیری شورا از فشارهای سیاسی و اجتماعی؛ دشواری در اجرای عملی برخی آرای شورا در فرایند قانونگذاری و اجرا.

در نهایت، پژوهش حاضر تأکید می‌کند که شورای نگهبان، با رویکردی فعالانه و نظام‌مند، نقش مهمی در تحقق عدالت و برابری ایفا می‌کند، اما برای ارتقای این نقش و حرکت به سوی حکمرانی مطلوب، لازم است: معیارها و شاخصهای سنجش عدالت و برابری به صورت شفاف و مدون تدوین شوند؛ فرایند تصمیم‌گیری شورا شفاف‌تر و قابل ارزیابی عمومی شود؛ آموزشهای تخصصی برای اعضای شورا و کارشناسان حقوقی در حوزه عدالت و برابری توسعه یابد؛ استقلال و بی‌طرفی شورا در برابر فشارهای بیرونی حفظ و تقویت شود. در مجموع، تحقق عدالت و برابری به عنوان مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب در نظام حقوقی ایران، مستلزم استمرار و ارتقای رویکرد علمی، شفاف و پاسخگو در شورای نگهبان و سایر نهادهای قانون‌گذار و نظارتی است. این امر نه تنها به ارتقای مشروعیت نظام حقوقی، بلکه به افزایش رضایت و اعتماد عمومی و توسعه پایدار اجتماعی منجر خواهد شد.

منابع

- قرآن مجید.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
- آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان (۱۳۷۹). تهران: شورای نگهبان.
- السان، محمد (۱۳۸۵). حقوق و عدالت اجتماعی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پروین، خیرالله (۱۳۹۲). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجد.
- حق‌پناه، علی و محمد ابوذری (۱۳۹۱). «اجرای بی‌طرفانه قانون و حمایت از اқشار آسیب‌پذیر». مجله حقوقی پژوهشهای قضایی، ش ۳۹۴.
- ریدی، محمد (۱۳۹۲). رویکرد اسلامی به حکمرانی و قانون. تهران: دانشگاه تهران.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). عدالت در نظام حقوقی اسلام. تهران: میزان.
- مرتضویان فارسانی، حسین (۱۴۰۰). حقوق اساسی و عدالت. تهران: مجد.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). عدالت در حکمرانی اسلامی. بی‌جا: بی‌نا.
- نبویان، علی (۱۳۸۶). حقوق عمومی و عدالت. تهران: دانشگاه.
- Dworkin, R. (۱۹۸۱). **Taking Rights Seriously**.
- Graham, J., et al. (۲۰۲۲). "Principles for Good Governance in the ۲۱st Century". *Policy Brief*, ۱۵.
- Rawls, J. (۱۹۷۱). **A Theory of Justice**.
- Strauss, D.A. (۲۰۱۰). **The Living Constitution**. Oxford University Press.
- United Nations (۱۹۶۶). **International Covenant on Civil and Political Rights**.
- United Nations (۱۹۴۸). **Universal Declaration of Human Rights**.
- World Bank (۱۹۹۲). **Governance and Development**.
- The Holy Qur'an
- Constitution of the Islamic Republic of Iran. (۱۹۷۹).
- Guardian Council Internal Regulations. (۲۰۰۰). Approved by the Guardian Council.
- Al-San, Mohammad (۲۰۰۶). **Law and Social Justice**. Tehran: University Publishing Center.
- Gholipour, Rahmatollah (۲۰۰۴). **Justice in the Islamic Legal System**. Tehran: Mizan Publications.
- Haqqpanah, Ali & Mohammad Aboozari (۲۰۱۲). "Impartial Enforcement of Law and Protection of Vulnerable Groups". *Judicial Research Journal*, No. ۳۹۴.
- Mesbah Yazdi, Mohammad-Taqi (۲۰۰۶). **Justice in Islamic Governance**.
- Mortazavian Farsani, Hossein (۲۰۲۱). **Constitutional Law and Justice**. Tehran: Majd Publications.
- Nabavin, Ali (۲۰۰۷). **Public Law and Justice**. Tehran: University Press.

- Parvin, Kheirollah (۲۰۱۳). **Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran**. Tehran: Majd Publications.
- Reidy, Mohammad (۲۰۱۳). **The Islamic Approach to Governance and Law**. Tehran: University of Tehran.

